

|                                                                           |
|---------------------------------------------------------------------------|
| <div><div><span><span>‎</span></span></div><div>هما سعادت‌مند</div></div> |
| <div><span>h.saadatmand@shahraranews.ir</span></div>                      |

این روزها که زمستان در سراشیب ماه‌هایش افتاده است و رؤیای سبزی دوباره، خون را در رگ‌درخت‌ها می‌دواند، هرکجای شهر که پا بگذارید، بازمینی شیارخورده، نقشه‌با تابلویی روبه‌رو می‌شوید که از افتتاح پروژه‌های جدید خبر می‌دهد و این برای شهر، حکم همان قیایی را دارد که آدمی بر تن خود اندازه می‌زند تا رشته اشتیاقش را به عیدی تازه بند کند. تعداد این پروژه‌ها آن قدر زیاد است که چشم، گاهی بی‌تفاوت از کنار خبرش در روزنامه‌های صبح می‌گذرد، آن چنان که دیگر خاطره افتتاح نخستین پروژه‌های شهری که سیمای مشهد را از شهری شبه‌روستایی به یکی از کلان‌شهرهای مدرن ایران تبدیل کرده، در حافظه کمتر کسی باقی مانده است. اول بار «میرزافضل... وزیر نظام» در سال ۱۲۷۰ قمری، بالاخیابان و پایین خیابان را با سنگ و خشت فرش کرد، اما رؤیای داشتن شهری مدرن را «کاشف‌الملک» با سنگ‌فرش کردن تعدادی از خیابان‌های خاکی شهر به شیوه نوین، در یک قرن پیش (حوالی۱۲۹۵) به حقیقت نزدیک کرد و ۲۳سال بعد هم مشهد در دوران شهرداربودن «ابراهیم شریفی» اسفالت را بر پیراهن زیباترین خیابانش کوک زد. البته ساخت خیابان ارگ که سینماها، پاتوق‌ها، مدارس نوین و دیگر مظاهر جهان تازه در آن قرار داشت و محل آمدوشد متجددان و فرنگی‌مایان بود نیز بر سرعت فاصله گرفتن مشهد از شهری سنتی به شهری توسعه‌یافته و امروزی افزود. ناگفته نماند اصلاحاتی مانند ساخت بیمارستان امام‌رضا<sup>(ع)</sup>، انتقال آب به مشهد، احداث کارخانه برق، ایجاد استخر و خیابان کوهسنگی (اسدی سابق)، تأسیس نخستین دبیرستان‌ها که در دوره تولیت محمدرولی اسدی (۱۳۰۹-۱۳۱۴) انجام شد نیز در این روند بی‌تأثیر نبود



- نخستین تعریض خیابان

نخستین ساخت و‌سازها و به‌ثمررساندن طرح‌های عمرانی شهری با رواج اتومبیل در مشهد آغاز شده‌اند. مرحوم غلامحسین بقیعی در کتاب «مزار میرمراد» اولین تعریض خیابان در مشهد را مربوط به «بالاخیابان» و «پایین خیابان» در سال۱۳۰۸ خورشیدی می‌داند و می‌نویسد: «رفته‌رفته بر اثر افزایش مسافرت و ظهور گاراژهای گوناگون و تراکم جمعیت در بالاخیابان و پایین خیابان، رفت‌وآمد در آن‌ها ششوار شد. اسب، قاطر، گوسفند، شتر، الاغ، ماشین سیمی، درشکه و طبق کش و عابران و زوار سرگردان در هم می‌لولیدند. برای حل این مشکل، اداره بلدیه به‌وسیله مأموران نظمی به مالکان بناهای ۲سوی خیابان دستور داد که ۳متر عقب بنشینند و به جای دکان‌های بی‌قواره قدیمی، عمارت‌هایی دوطبقه به سبک جدید بسازند.» برای اجرای این دستور، خود کاسب کاران، بالای نهر خیابان را با تیروتخته پوشاندند و روی آن آلونک‌های چوبی درست کردند تا به‌صورت موقت در آنجا مستقر شوند. مرحوم بقیعی تعریف می‌کند: «پس از تعریض خیابان، کسبه، دکان‌ها را به‌سرعت درهم کوبیدند و در زمین پشت سر آن‌ها دکان‌های تازه را بالاخانه‌دار (دوطبقه) ساختند. ناگفته‌نماند در آن دوران که سقف همه‌خانه‌ها چوبی و پشت‌بام‌ها گل اندود بود، ساختن عمارت دوطبقه مشکلات بسیاری پدید می‌آورد. ابتدا نجارها با اتصال تعدادی ستون و تیرک‌های نازک‌تر به یکدیگر، تلبست و استخوان‌بندی بالا خانه را بر پا می‌داشتند. سپس بناها، فواصل آن‌ها را با گل و خشت خام تیغه می‌کردند. برای ساختن سقف هم در بالای دیوارها تیر چوبی کار می‌گذاشتند و بین تیرها «پرواز» می‌چیدند، روی آن‌ها را حصیر و پوشال می‌انداختند و با یک لایه «غوره‌گل» سقف را استوار و شب‌بندی می‌کردند تا کار برای ساخت طبقه دوم آماده باشد. »



- نخستین بلندمرتبه‌سازی

تا پیش از سال ۱۳۸۷، فقط ۲ساختمان «زیست‌خاور» و «هتل هما» در مشهد وجود داشتند که می‌شد در

# «نخستین»هایی که چهره مشهد را دگرگون کردند

روایت تاریخی ساخت اولین بناها از چهارطبقه تا نخستین زیرگذر شهر



توصیف آنان واژه «مرتفع» را به کار برد، اما طبق آمارها در مشهد امروز حدود ۵۰برج وجود دارد که ارتفاع برخی به ۱۵۰متر می‌رسد. این درحالی است که روزگاری وجود یک ساختمان چهارطبقه سبب حیرت درآمزدت هر عابر و‌رهگذری می‌شده که از حاشیه خیابان خسروی امروز می‌گذشته است.

عمر بلندمرتبه‌سازی در مشهد نیز با ساخت ساختمان چهارطبقه برابر است. نگارنده «مزار میرمراد» در توصیف این ساختمان که متعلق به خانواده نصیرزاده، از مهاجران قفقاز، بوده و به احتمال در به‌ازه سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۸ پا گرفته است، چنین می‌نویسد: «از نظر سبک معماری، ساختمان‌های خیابان پهلوی با جاهای دیگر مشهد فرق داشت. در این منطقه بیشتر بناها را بلند و سقفشان را شیروانی می‌ساختند. یکی از متمولان ازروسیه‌برگشته یک عمارت چهارطبقه بسیار بلند آجری در حاشیه این خیابان ساخت که مدت‌ها مورد توجه و اعجاب عابران بود. در مغازه‌های سمت راست در ورودی عمارت، یک داروخانه بزرگ و مفصل‌تر از داروخانه‌مریض‌خانه آمریکایی دایر گردید و در مغازه‌های سمت چپ آن هم نمایندگی لوازم برقی آلمانی استقرار یافت.»

آن طور که مرحوم بقیعی می‌نویسد، پس از مدت کوتاهی یک چهارطبقه دیگر نیز در مشهد ساخته می‌شود: «مدت کوتاهی این عمارت بی‌رقیب و بی‌بدیل باقی ماند تا اینکه یک سرمایه‌دار دیگر در مجاور در شرقی صحن نو، یک چهارطبقه دیگر با نامی کاشی‌کاری زیبا ولی کوتاه‌تر و جمع‌وجوتر از اولی ساخت و اتاق‌ها و مغازه‌هایش را هم به مسافرخانه و فروشگاه‌های اجناس زواری اجاره داد. به همین سبب این بنا به اسم «چهارطبقه حضرتی» شهرت یافت و سال‌ها رقیب منحصر به فرد چهارطبقه ارگ باقی ماند.»

ناگفته‌نماند، این عمارت دومی که مرحوم بقیعی از آن حرف می‌زند، درواقع همان مسافرخانه

«حاجی‌لته» است که به‌عنوان نخستین مسافرخانه مشهد نیز از آن یاد می‌شود. هر ۲این چهارطبقه‌ها در دهه ۵۰به‌دلیل خیابان‌کشی و توسعه‌فضاهای شهری، به فاصله ۵سال از یکدیگر تخریب شدند. همچنین روایت‌های شفاهی موسسید کرده‌های مشهد به‌ویژه اهالی محله بهشت نیز آمده است که خانه‌های دوطبقه آجری نخستین‌بار در خیابان دکتر ساخته شده‌اند.



اما بر اساس اسناد باقی‌مانده، در بهمن۱۳۱۸، استاندار نهم از شهرداری مشهد درخواست کرده بود اصلاحات لازم برای شهر مشهد و هزینه تقریبی آن را به استانداری اعلام کند و «احمدعلی روشن»، شهردار وقت مشهد، اصلاحات اساسی شهر را چنین اعلام کرده است: «اسفالت ریزی خیابان‌های شهر، لوله کشی برای آب شرب، مجرای زیرزمینی، حفر مسیر در قسمت جنوبی و شرقی شهر، احداث و امتداد خیابان شاه‌رضا، احداث و امتداد خیابان استخر، احداث و امتداد خیابان سراب، احداث و امتداد خیابان عیدگاه، تأمین روشنایی شهر و مرمت

خیابان تازه‌بنیاد سعادت‌آباد.» همه این‌ها تا پایان دوره شهرداری او که یک سال پس از صدور این نامه است، به انجام می‌رسد. پس از آن هم طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی بسیاری در مشهد کلید می‌خورد که انتقال غسالخانه به باغ رضوان، ساخت خیابان طبرسی در سال ۱۳۲۶ خورشیدی، شروع عملیات ساخت پارک ملت، احداث بولوار فردرگاه تا فلکه ضد، ایجاد کوی دانشگاه فردوسی و ساخت شعبه یک آتش‌نشانی در پایین خیابان بین سال‌های۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ خورشیدی از آن جمله است.



- نخستین زیرگذر

اسناد و خاطرات از این حکایت دارند که ایجاد پروژه‌های عمرانی و ساخت‌وسازهای شهری در دوره پس از انقلاب فزونی می‌گیرد، آن چنان که مشهد هر روز با پوست‌اندازی تازه‌ای روبه‌روست. اکبر صابری‌فر که در همین دوران بر جایگاه شهرداری مشهد تکیه زده بود، روایت جالبی از احداث نخستین زیرگذر مشهد تعریف می‌کند، پروژه‌ای که خبرش در هنگام جنگ از رادیو بغداد هم پخش می‌شود.

صابری‌فر می‌گوید: «آن زمان، بافت قدیم شهر، بافت شلوغ شهر بود و پنجره‌ها پایین خیابان پرت‌دردترین نقطه این محدوده محسوب می‌شد. برای همین ابتدای سال ۱۳۶۰ خورشیدی و در زمان سرپرستی دکتر غفوری‌فرد،

مهندس روحانی نامی که از کارمندان سرچنگل‌داری مشهد بود، موضوع ایجاد زیرگذری را در همین نقطه مطرح می‌کند و طرحش هم در استانداری با بودجه ۶میلیون تومان تصویب می‌شود. بعد هم پیمانکاری می‌آورند تا این طرح را به‌ثمر برساند.

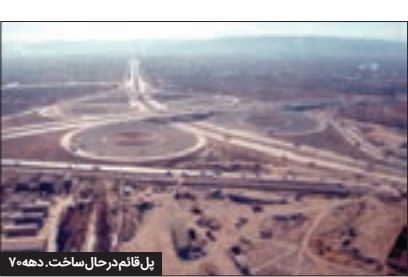
آن دوران -که تا هنوز هم هست- رسم بر این بود پیش از انجام هر پروژه‌ای تحصیل حریم کنند. یعنی ابتدا باید راهی فرعی برای عبورومرور ایجاد می‌کردند تا مردم مشکل نداشته باشند، سپس پروژه در حریمی که مدنظر بود اجرا می‌شد، اما این پیمانکار و گروهش بدون تحصیل حریم، برای گودبرداری اولیه، قراردادی به‌مبلغ ۵میلیون تومان با شرکتی امضا می‌کنند و دست به کار می‌شوند.

۵ماه از این گودبرداری گذشته بود که من در مهر ۱۳۶۰ وارد شهرداری شدم. به خاطر دارم، اولین جایی که بازدید کردم، همین گودال پنجره بود که عمقش به ۱۷متر می‌رسید. راه کاملاً بسته شده بود، آن چنان که عابر پیاده فقط نیم‌متر برای عبورومرور فضا داشت تا بتواند خودش را از این قسمت به خیابان ۱۷شهریور برساند. علاوه بر این، مسیر نهر پایین خیابان که پیش‌ترها بسته شده بود، به‌دلیل همین گودبرداری غیراصولی، شکسته شده بود و آب از زیر زمین به کاروان‌سرای قدیمی که در همان جا قرار داشت، نشت کرده، سبب قطع تلفن، برق و آب خانه‌ها شده بود. این وضع در اوج جنگ بسیار وحشتناک بود. فوری برگشتم شهرداری و جلساتی را برای رفع مشکل تشکیل دادیم. در مشورت با مهندسان متوجه‌شدم که طرح گودبرداری به غلط اجرا شده است و باید طرحی تازه برای ایجاد زیرگذر تصویب شود. ۲سال طول

کشید تا طرح امروزی این زیرگذر و نقشه اجرایی آن پس از بررسی‌های کامل به تصویب رسید.

خاطرم هست ابتدای دوران استانداری آقای کوهپایی بود که در نخستین جلسه، موضوع زیرگذر پنجره پایین خیابان مطرح شد. آنجا بود که فهمیدم رادیو بغداد روز گذشته در اخبارش، ایرانی‌ها را مسخره کرده و گفته است شما نمی‌خواهد اسلحه دست بگیرید، اگر عرضه دارید، بروید پنجره را بسازید. همین موضوع سبب شد تا همان روز از وزارت کشور دستوری به کوهپایی مبنی بر رسیدگی سریع به وضعیت پنجره برسد. یادم می‌آید طبق برآوردهی که انجام داده بودیم، حدود ۲۸میلیون تومان هزینه داشتیم. همان روز ۳۰میلیون تومان از وزارت کشور برای استاندارد وقت حواله شد و بعد هم آقای حیدری نامی از شرکت «کار و راه» قبول کرد به‌صورت واگذاری (بدون آگهی و مناقصه) سریع این طرح را اجرا کند.

حوالی سال ۱۳۶۲، در میدان اعداد آن روزگار، یک بانک صادرات قدیمی قرار داشت که تعطیل بود. همان را دفتر کارم کردم و با مالکان برای تحصیل حریم وارد مذاکره شدم و محدوده با رضایت ایشان واگذار شد. سپس برای کانال نهر که همچنان نشتی داشت، مسیر فرعی ساختمیم و کار ساخت زیرگذر جان گرفت. مسرتان سال ۱۳۶۳ هم این طرح تمام و به دست مرحوم آیت...طیسی افتتاح شد.



- نخستین میدان‌ها

نخستین پل‌ها و میدان‌های مشهد در دهه ۷۰و در زمان شهرداری سیدعباس امیری‌پور پا گرفته‌اند که تقاطع غیرهم‌سطح میدان قائم نخستین آن‌هاست. پس از آن هم، میدان‌های استقلال، انقلاب اسلامی، جهاد، پل‌های خیام و سیاد و کمربندی مشهد، بولوار پیروزی، بولوار هاشمیه، بولوار خیام شهابی، بولوار طبرسی شمالی، بولوار هدایت (غاز غربی) همه تا سال ۱۳۷۷ ایجاد و بهره‌برداری می‌شوند.



به گفته شهردار پیشین مشهد، نخستین پل هوایی مشهد در خیابان اندرزگو ساخته می‌شود. صابری‌فر می‌گوید: «در دهه ۶۰پس از تعریض خیابان امام‌رضا<sup>(ع)</sup> پیگیر ساخت یک پل هوایی در این محدوده شدم اما چون این پل جلودید گنبد را می‌گرفت، متنفی شد و بعد از آن یک پل عابر پیاده در خیابان اندرزگو ساخته شد.

منبع: گفت‌وگو با اکبر صابری‌فر، شهردار مشهد در دهه‌ه۷۰تا۷۵، کتاب «مزار میرمراد» نوشته مرحوم غلامحسین بقیعی، تاریخ‌نگاری محله بهشت از هما سعادت‌مند، دیگر اسناد و منابع مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

## شهریار

روزنامه شهرامیدوزندگی

۳شنبه۲۷ بهمن ۱۳۹۱خبرگزاری شهرامید۳۳۰۹

SHAHRARANEWS.IR

تاریخ و هویت

## تاریخ و هویت

روایت ورود به غار «چهل‌چاه»، بازمانده دوره اشکانیان

که ۱۴ سال پیش به ثبت ملی رسید

### پناهگاهی برای جذامیان

غار طولانی‌ترین مسکن انسان‌ها بوده است و انسان‌ها از زمان پا گذاشتن روی زمین برای حفاظت از سرما و گرما و گزند حیوانات، به دنبال پناهگاه بوده‌اند. می‌توان گفت انسان‌ها پیش از همه دوره‌ها، در غارها زندگی کرده‌اند. گذشته از این، مفهوم غار را مقدس نیز می‌دانستند. پیروان آیین مهر معتقد بودند یکی از زادگاه‌های ایزد مهر، غار بوده است.

عیسویان معتقدند مسیح در غار متولد شده است و مهم‌تر از همه مسلمانان هم غار را زادگاه دین اسلام می‌دانند. تقدیس غار در فکر و فرهنگ بشر، موجب تجسم جایگاه غار در معماری اسلامی نیز شده است، چنان که در فضاهای انتهای ایوان‌ها و زیر گنبد‌ها، مقرنس ایجاد می‌کنند که چیزی جز آویزه‌یا چکانه‌های غارها نیست و تجسمی از غار در بنای اسلامی است. بدین ترتیب مسکن اصلی انسان‌ها تا دوران یکجانشینی غارها بوده است، یعنی تا حدود ۱۰ هزار سال پیش.

غار «چهل‌چاه» در روستای چنشت و در میان کوه‌های باقران بیرجند، یکی از همین غارهای تاریخی و ارزشمند است که از بابت مردم‌شناسی و باستان‌شناسی اهمیت دارد. البته، در این روستا، غار دیگری با نام «چنشت» هم وجود دارد که در سال ۱۳۲۷ خورشیدی به‌وسیله آمریکایی‌ها مطالعه و بررسی شد و باستان‌شناسی ایرانی به‌نام «حبیب‌ا... صمدی»، چیزهای عجیبی درباره آن نوشت. غاری که متأسفانه به‌دلیل بی‌توجهی و آمدوشد بسیار مردم، اثری از عظمتش برجا نمانده است. اما غار «چهل‌چاه» تا سال ۱۳۷۱ ناشناخته بود و کسی از وجود آن اطلاعی نداشت. تا اینکه چند کوهنورد ماجراجو داخل این غار می‌روند و به میراث فرهنگی استان بیرجند خبر می‌دهند که غاری شبیه به غار «چنشت» یافته‌اند. من در همان سال معاون پژوهشی اداره میراث فرهنگی استان خراسان بودم و به همراه همان کوهنورد‌ها با تجهیزات، به داخل غار «چهل‌چاه» رفتیم. البته کاری بسیار مخاطره‌آمیز انجام دادیم. چون این غار از نوع ریزشی و بر اثر رانش کوه‌ها ایجاد شده بود و سنگ‌های این گونه غارها بسیار ناپایدار و آسیب‌پذیر هستند. درهرصورت خطر کردیم و توانستیم تا انتهای غار پیش برویم.

ما در جای جای غار اسکلت انسان‌هایی را دیدیم که همه ملیس بودند. لباس‌هایی پوسیده که در ساق پا یا دور گردنشان جمع شده بود. جریان هوای داخل غار و خشکی آن، باعث شده بود که این اسکلت‌ها به‌نسبت سالم باقی بمانند و ما توانستیم ۱۴ جسد را شناسایی کنیم که در میان آن‌ها مرد و زن و کودک هم بودند. اما یکی از رقت‌بارترین صحنه‌ها را در آخر غار دیدیم. اسکلت باقی‌مانده از زنی نسته که جمجمه کوچک فرزندش روی رانش بود. مردی هم در کنارشان به پشت خوابیده بود. انگار این خانواده در نوعی حالت اضطراب جان داده بودند. یک مورد هم مرد و کودک بودند در حالت تدفین که به‌صورت سروه در انتهای گودی خوابانده شده بودند و سرشان به‌سمت آسمان بود. در غار، ابزار و وسایل زندگی همچون چوب دستی، ظرف‌های شکسته سفالی و اجاق و اسباب هم دیدیم که همه نشان از زندگی داشت. البته در ابتدا تصور این‌بود که مردمی از روستاهای اطراف برای زندگی به این غار پناه آورده بودند، اما با مطالعاتم اعتقادم بر این است که هر ۲غار، محل نگهداری جذامی‌ها بوده است. مردمانی که باید در فضایی ایزوله زندگی می‌کردند و این را از همان ابزار و وسایل زندگی دریافتم. البته در غار «چنشت» هم، تشک و لحاف و صندوق دیده شده بود.

ما در غار «چهل‌چاه» به هیچ چیز دست نزدیم و همه چیز باقی ماند و برای اینکه این غار هم به سرنوشت غار «چنشت» دچار نشود، آن را دوباره محفی کردیم. راه تنگ و باریک غار را دوباره به‌صورتی درآوردیم که کسی متوجه راه آن نشود. چون ورود به این غار هم به‌دلیل مختصاتش می‌تواند مخاطراتی برای افراد پیش آورد. گرچه بعدها فهمیدم افرادی به این غار رفته‌اند. پس از تحقیق، قدمت غار را مربوط به دوره اشکانی یافتیم و در یافتیم که تا قرن هفتم و هشتم هجری از آن استفاده می‌شده است. در هرصورت هر ۲غار روستای چنشت، می‌توانند به‌عنوان اثری ملی، بزرگ‌ترین جاذبه‌های گردشگری شهرستان بیرجند باشند، البته به شرط برخورد عالمانه نه عوامانه. ما همان زمان ثبت این اثر را در آثار ملی ایران، به میراث فرهنگی پیشنهاد کردیم که سرانجام در ۸بهمن۱۳۸۵ با شماره ثبت۱۷۰۷۵ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید.

